

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۱	موضوع :	نحو ۲
تاریخ :	۹۳/۰۳/۱۸	ساعت :	۱۸

نام کتاب: شرح ابن عقیل (باب الابتداء تا باب الفاعل) و تمیزیه و ترکیب (نیمه اول جزء ۳۰ قرآن)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. در مثال «زید عندک» متعلق خبر چیست؟ ب ۱۹۷
- ا. مبتدای سابق
- ب. متعلق واجب الحذف
- ج. متعلق جایز الحذف
- د. ضمیر مقدر راجع به مبتدا
۲. کدام گزینه در فرق بین «کاد» و «عسی» صحیح است؟ ج ۳۰۴
- ا. کاد از افعال مقاربه و عسی از افعال قلوب است
- ب. کاد از افعال انشاء و عسی از افعال رجاء است
- ج. خبر عسی غالباً با آن می‌آید و خبر کاد بدون آن
- د. عسی فقط ناقصه استعمال می‌شود ولی کاد هم ناقصه هم تامه می‌آید
۳. کدام گزینه در مورد جایگاه اسم و خبر حروف مشببه بالفعل صحیح است؟ ج ۳۲۰
- ا. اگر خبرشان غیر ظرف باشد تقدیمش بر اسم جایز است
- ب. جابجایی اسم و خبر جایز نیست مطلقاً
- ج. در مثال «لیت فی الدار صاحبها» تقدیم خبر واجب است
- د. تقدیم معمول خبر بر اسم جایز نیست مطلقاً
۴. «صیر» از چه افعالی است و عملش چیست؟ ج ۳۸۰
- ا. افعال رجاء، رفع به اسم نصب به خبر
- ب. افعال قلوب، نصب به اسم و خبر
- ج. افعال تحویل، نصب به اسم و رفع به خبر
- د. افعال تحویل، نصب به اسم و خبر

تشریحی

۱. در مثالهای زیر مبتدای نکره را مشخص کرده و مسوغ ابتدا به نکره را بنویسید.
- ا. عمل بر یزین: عمل ، زیرا مضاف است.
- ب. کل یموت: کل ، زیرا معنای عام دارد.
- ج. مومنٌ خیر من کافر: مومن، زیرا جانشین موصوف است.
- د. ما خلّ لنا: خل، زیرا بعد از نفی واقع شده است.

* اختلف النحویون فی جواز تعدّد خبر المبتدأ الواحد بغير حرف عطف، فذهب المصنف إلى جواز ذلك، سواء كان الخبران فی معنى واحد أم لم یكونا

كذلك.

۲. عبارت را مختصراً توضیح داده، برای جمله «سواء...» مثال بزنید.

اختلاف در این است که آیا می‌توان برای یک مبتدا دو یا چند خبر آورد بدون آنکه این خبرها با حرف بر یکدیگر عطف شده باشند؟ مصنف معتقد است می‌توان، چه دو خبر در معنا یکی باشند یا مختلف باشند. مثال مورد اول: هذا حلو حامض مثال دوم: زید قائم ضاحک.

* و قد تزداد كان فی حشو كما / كان اصح علم من تقدماً

۳. با توجه به شعر، یکی از اقسام كان را در ضمن مثال توضیح دهید.

یکی از اقسام کان کان زائده است که بین دو چیز متلازم واقع می شود مثل مبتدا و خبر، فعل و مرفوعش، صله و موصول و ... در مثال، کان بین «ما» و «فعل تعجب» به صورت زائده واقع شده است.

۴. شرایط «لا» شبیه به لیس برای عمل را نوشته، مشخص کنید چرا در مثال «لا قائم رجل» لا عمل نمی کند؟

۱. اسم و خبرش نکره باشد ۲. خبرش بر اسمش مقدم نگردد ۳. نفی اش با إلاً نقض نگردد. در مثال مذکور خبر بر اسم مقدم شده لذا عمل نمی کند.

۵. ضمیر فصل را در ضمن مثالی تعریف کرده، شرطش را بنویسید و مشخص کنید آیا لام ابتداء بر این ضمیر داخل می شود؟ ضمیری است که بین خبر و صفت فاصل است تا معلوم شود که مابعد ضمیر خبر است نه صفت مثل: زید هوالقائم. شرطش توسط بین مبتدا و خبر یا آنچه اصلش مبتدا و خبر بوده، می باشد. بله لام ابتداء بر آن داخل می شود.

* لا التي لنفي الجنس و المراد بها التي قصد بها التنصيص على استغراق النفي للجنس و إنما قلت «التنصيص» احترازاً عن التي يقع الاسم بعدها مرفوعاً. ۶. عبارت را توضیح داده و با توجه به آن فرق دو مثال «لا رجل في الدار» و «لا رجل قائماً» را بنویسید.

لای نفی جنس صراحتاً نفی جنس می کند لذا در لا رجل في الدار معنایش فقط آن است که جنس مرد در خانه نیست، ولی لا شبیه به لیس صراحت در نفی جنس ندارد، ممکن است برای نفی جنس باشد یا نفی واحد، پس معنای لا رجل قائماً می تواند نفی جنس مرد باشد یا یک مرد.

۷. أ. در «اعلم» و «أرى» سه مفعولی کدام یک از مفاعیل در اصل مبتدا و خبر بوده اند؟ با ذکر مثال مشخص کنید.

مفعول دوم و سوم مثل «اعلمت زیداً عمرواً قائماً» که عمرو قائم مبتدا و خبر بوده اند.

ب. الغاء عامل نسبت به کدام یک از مفاعیل سه گانه اعلم واقع می شود؟ در ضمن مثال «عمرواً اعلمت زیداً قائماً» تعیین نمایید.

الغاء نسبت به همان مفعول دوم و سوم است چنانکه در مثال عمرو قائم مرفوع شده اند.

۸. آیه شریفه «وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ» را ترکیب کنید.

«ما»: مبتدا - «ادریک»: فعل و فاعل و مفعول به، جمله در محل خبر. «ما»: مبتدا - «علیون»: خبر «ما» و جمله «ماعلیون» محل نصب بنا بر مفعول دوم «ادری».

* هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ * بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ.

۹. نقش اعرابی «فِرْعَوْنَ» متعلق «فِي تَكْذِيبٍ» و تجزیه «الَّذِينَ» و «أَتَاكَ» را بنویسید.

فِرْعَوْنَ: بدل از جنود - فی تکذیب: متعلق به عامل محذوف - الذین: اسم موصول مبنی معرفه برای جمع مذکر. معلوم - «ک» ضمیر متصل منصوبی.